

کارکردهای زیست بوم در الهیات زیست محیطی قرآن با تأکید بر رابطه متقابل سلامت اجتماعی و نگرش‌های الهیاتی از دیدگاه علامه جوادی آملی

سمیرا کریم‌نژادی^۱

چکیده

بحران فراگیر زیست محیطی را می‌توان مهم‌ترین تهدید حیات، رفاه و سلامت فردی و اجتماعی انسان در دوران مدرن دانست. نقش الهیات در کنترل و حل بحران‌ها، بس مهم و تأثیرگذار است. علامه جوادی آملی با درک روزآمد از مسائل و نیازهای انسان معاصر و با تبیین رابطه انسان و طبیعت، درصدد ارائه راه‌حلی مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی برآمده‌اند. ایشان با تأسی از فرهنگ قرآنی و تحلیل هستی‌شناسانه آن، «خلقت» را جایگزین «طبیعت» نموده‌اند. براین اساس، انسان در مقام خلیفه‌اللهی، نسبت به طبیعت و در تعامل آن، امانت‌دار و مسئولیت‌پذیر است که این امر، علاوه بر حفاظت و آبادانی محیط زیست، نقش مهمی در تأمین سلامت جامعه و افراد آن ایفا می‌کند. در الهیات زیست محیطی مبتنی بر نگرش قرآنی، مهم‌ترین کارکردهای زیست بوم را می‌توان در اهداف تربیت مادی، معنوی، عقلانی، اخلاقی و اجتماعی بشر خلاصه نمود. علامه مهم‌ترین موانع ارتباط صحیح با طبیعت را روحیه سلطه‌جویی و سودمداری بشر امروز، بر مبنای جهان‌بینی مادی‌گرایانه و انسان‌مدارانه تعبیر می‌کنند. به علاوه، نگاه ابزاری به طبیعت و بی‌توجهی به جایگاه آن در خلقت، از مهم‌ترین عوامل تغییرات اکوسیستم‌ها به شمار می‌رود که تهدید حیات بشر و سلامت فردی و اجتماعی آدمی از پیامدهای آن است. واژگان کلیدی: محیط زیست، الهیات، جوادی آملی، جهان‌بینی، سلامت اجتماعی.

۱. دانش پژوه سطح چهار رشته کلام اسلامی و پژوهشگر جامعه الزهراء (ع)، قم، ایران؛

.karimnejadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱/۲۱

مقدمه

محیط زیست که سکونت‌گاه موجودات و بستر رشد و تکامل جسمی - روحی آنان است، به نوعی ضامن آسایش، بقا، سلامت و استکمال مادی و معنوی بشر و نسل‌های آتی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ص ۲۷-۲۸).

رد پای توجه به زیست‌بوم را در اقوام بدوی و آیین‌های مختلف پیشاتاریخی می‌توان مشاهده نمود؛ به گونه‌ای که آداب و رسوم مذهبی آنان، بر اساس اعتقاد به شعورمندی طبیعت، با احترام، تقدیس و پرستش مظاهر طبیعی - به عنوان نمادهای حقایق معنوی - توأم بوده تا آنجا که در دیدگاه‌های زیست‌محیطی، آیین جینیسم مبتنی بر اصول معنویت و تساوی، و ممنوعیت هرگونه دخل و تصرف انسان در طبیعت، مورد تأکید است (Hume, 1959, p58). ازطرفی ادیان آسمانی، در عمق تعالیم خود، ضمن توجه به اصول اخلاق زیست‌محیطی، خلقت را منظومه‌ای از نظام احسن و چرخه‌ای مرتبط به هم و متصل به حقیقتی الهی می‌دانند که خاستگاه آدمی، منشأ طبیعت و غایت آنان است (نصر، ۱۳۸۶، ص ۵۲).

بحران زیست‌محیطی متأثر از دوران علمی - صنعتی و تحولات مدرن، بزرگ‌ترین چالش انسان معاصر و تهدید امنیت و سلامت جهان به شمار می‌رود. در این دوران، تحت تأثیر نگرش‌های فکری - فلسفی مدرنیته، ازجمله اومانیسم، سکولاریسم و علم‌گرایی افراطی و ظهور تکنیک و فن، دیدگاه قدسی به طبیعت به نگاهی ابزارگرایانه و سودمدارانه تقلیل یافت (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف، ص ۳۳-۵۳)؛ به گونه‌ای که فرانسیس بیکن - شاخص‌ترین فیلسوف دوره رنسانس - تعریف علم را به کسب قدرت جهت دسترسی آسان به طبیعت و سلطه بر آن فروکاست (Bacon, 2006, p29). حاصل چنین رویکردی، علاوه بر بهره‌وری بی‌رویه از طبیعت و تصرف غیراصولی در آن، با فرایندهای تخریبی زیستی توأم بود؛ تا آنجا که سلامت جسم و روان بشر و به تبع آن، سلامت اجتماعی را نیز به مخاطره انداخته است. همچنین افزایش آلاینده‌های مخرب، گرمایش زمین و تخریب لایه ازن را در پی داشته و با نابودی اکوسیستم‌ها و آلودگی آب و هوا، تنوع زیستی و گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض نابودی است.^۱ الهیات محیط زیست، ضمن مساعدت در کنترل بحران، کارکرد مادی، معنوی، فردی

۱. "Environmental crisis" in online Oxford Reference, Oxford university Press.

و اجتماعی دین را در کنار سایر نهادهایی که تلاش می‌کنند راهی به سوی حل بحران بگشایند، ارائه می‌کند و نقش بسزای آن را در کسب و ارتقای سلامت جسمی و روحی بشر اثبات و تبیین می‌نماید. شاید بتوان اذعان نمود معجزه حل چنین بحران عظیمی، جز با تغییر نگرش و جهان‌بینی انسان، امکان‌پذیر نیست. در این میان، نگاه اسلامی - قرآنی به طبیعت، برجسته و بس مهم و تأثیرگذار است. براین اساس، تغییر نگرش به جهان بر اساس نظام احسن و حکمت باری، ضامن احیای دیدگاه قدسی طبیعت بر مبنای جهان‌بینی توحیدی است. به علاوه، تعیین جایگاه متعالی برای انسان به عنوان خلیفه‌الله و تبیین نسبت متوازن میان وی و طبیعت به عنوان صنع الهی، مبنای ارائه نظام هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی الهیاتی است که می‌تواند به برون‌رفت از بحران مدد رساند و رفاه، آسایش و بالندگی جامعه بشری را رقم زند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ص ۱۹-۲۴).

آیت‌الله جوادی آملی، از اندیشمندان معاصر، با توجه به دغدغه‌های زیست‌محیطی عصر حاضر، ضمن تألیف کتب و ارائه سخنرانی‌ها و مقالات، راهکارهایی برای حل بحران محیط زیست بر اساس مبانی اسلام ارائه نموده‌اند. از نوآوری‌های ایشان، جایگزینی عنوان «خلقت» به جای «طبیعت» است. علامه با واکاوی ریشه‌های بحران، نگرش مادی‌گرایانه و انسان‌مدارانه و غفلت از فاعل و غایت الهی جهان هستی را انحراف اصلی بشر معاصر دانسته و جهان‌بینی توحیدی را برای درک جایگاه حقیقی انسان و طبیعت و تعامل مطلوب آدمی با آن ضروری می‌داند که ثمره آن آبادانی محیط زیست و تحقق جامعه سالم و مدینه فاضله قرآنی خواهد بود (همان، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰).

۱. ویژگی‌های دوران مدرن و نسبت آن با بحران‌های زیست‌محیطی

دوران مدرن تحت تأثیر جنبش‌های فکری و انقلاب‌های علمی - فرهنگی، دگرگونی‌ها و تحولات شگرف الهیاتی، متافیزیکی و تکنولوژیکی را به دنبال داشت که مجموعه این تغییرات و تحولات، بر زندگی مادی و معنوی انسان معاصر در ابعاد نظری و عملی تأثیر گذاشت. از جمله، تناسبات میان انسان و طبیعت را دچار دگرگونی نمود که بحران‌های زیست‌محیطی، بخشی از فرایند مذکور و نتایج و الزامات آن به شمار می‌رود. ویژگی‌های برجسته مدرنیته را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱-۱. از پیامدهای توجه افراطی به علم و انحصار آن در تجربه و حس، تهی شدن دانش از معنا و مفهوم قدسی و دوری آن از الهیات بود؛ تا آنجا که برخی از اندیشمندان را بر آن داشت تعریف علم را با تحصیل و مهار طبیعت، همسان تلقی نمایند؛ به گونه‌ای که غایت معرفت، سلطه هرچه بیشتر انسان بر زیست بوم و تصرف بی‌رویه در آن تبیین گردید (Bacon, 2000, P102 - 169).

۱-۲. تکنولوژی به عنوان ماهیت جهان معاصر، علاوه بر ارائه ابزارهای نوین و پیشرفت ماشین‌آلات صنعتی، با نگاه انسان‌مدارانه به فناوری توأم گردید که از لوازم آن، تغییر نگرش به عالم و غلبه تفکر ابزارگرایانه به طبیعت بود. همچنین با شیفتگی و اسارت انسان معاصر به ابزارهای مدرن و تعامل غیراخلاقی وی با طبیعت در جهت اهداف منفعت‌طلبانه، زیست بوم به مثابه منبع ذخیره انرژی تلقی گردید که بهره‌برداری حداکثری محیط زیست و تخریب شگرف فیزیکی و معنوی آن را در دو قرن اخیر در پی داشت (Heidegger, 1977, P10).

۱-۳. باور به اصالت عقل و تأکید بر عقل خودبنیاد به عنوان یگانه مرجع نیل به حقیقت و استقلال و محوریت آن در تمام امور نظری و عملی، دیگر ویژگی دنیای مدرن بود. عقل محوری مبتنی بر نفی جهان بینی الهی، تمامی جنبه‌های علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زندگی بشر مدرن را بازسازی نمود. به علاوه، حیات‌مندی و کارایی معارف و حیانی و مبانی متافیزیکی در مناسبت با عقل مدرن و خرد، جزئی و ابزاری ارزیابی شد که نگرش کمی به هستی و محاسبه‌پذیر کردن طبیعت، از پیامدهای آن بود (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف، ص ۴۴-۴۶).

۱-۴. دیدگاه اومانیستی، از بنیادی‌ترین شالوده‌های تفکر جدید غرب و مهم‌ترین شاخصه تأثیرگذار بر تمام شئون دوران مدرن است. در این دوره، با جایگزینی انسان محوری با خدا محوری، آدمی در جایگاه محوری عالم قرار گرفت و تمام ارزش‌ها، روابط و حقایق در نسبت با او تبیین گردید (Abbagnano, 1972, p69-70)، برنامه‌ریزی برای سلطه بر جهان و مالکیت بر هستی و کائنات، ظهور سودگرایی، لذت‌گرایی و برخی گرایش‌های اومانیستی، از جمله پراگماتیسم، حاصل چنین نگرشی بود. انسان مدرن با نگاه

کاملاً ابزاری و محاسبه‌گرایانه، تعاملات با طبیعت را در جهت لذات مادی و جسمانی و اهداف سلطه‌جویانه خود سامان بخشید که تخریب و تصرف بی‌رویه در محیط زیست، از پیامدهای آن بود (نصر، ۱۳۸۶، ص ۳۴۵-۳۴۶).

۱-۵. سکولاریسم را می‌توان بنیاد تفکر انسان مدرن دانست که در پی تحولات فکری و فلسفی مدرنیسم شکل گرفت. این نگرش، مبتنی بر اعتقاد به اصالت امور دنیوی و حذف آخرت‌گرایی است که بر اساس آن، به مادیات از زوایای مستقل از امور ماوراء طبیعی نگریسته می‌شود. به علاوه، با ابطال دین و تنزل ارزش آن در حد خرافه و افسانه، یا تحدید قلمرو امور قدسی به مسائل فردی و اخلاقی به بهانه مخدوش شدن چهره متعالی و مطهر آن، کارکردهای اجتماعی دین و به‌ویژه نقش آن در سلامت مادی و معنوی جامعه به حاشیه رانده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف، ص ۶۶-۶۷).

از نظر علامه، علم‌زدگی و عقل‌گرایی بشر متمدن در بستر مکتب انسان‌مداری، زمینه‌های تکوین تفکر سکولار را فراهم ساخت (همان، ص ۳۳-۵۳). چنین رویکردی، انسان مدرن را فارغ از هرگونه دیدگاه قدسی به عالم و احساس تعهد نسبت به اجزای آن، با نگرش از دریچه نفسانیات، به بهره‌برداری حداکثری و لجام‌گسیخته از طبیعت سوق داد و ثبات، امنیت و سلامت بشر را به مخاطره افکند. دست‌اندازی انسان و افراط وی در بهره‌برداری از طبیعت تا آنجا رشد و توسعه یافت که به اذعان همه اندیشمندان، علاوه بر تهدید سلامت بشر، جامعه جهانی و نظام اجتماعی را در میانه چالش‌های متعدد زیست‌محیطی گرفتار نمود (همان، ۱۳۸۸ الف، ص ۳۷-۴۰).

۲. الهیات محیط‌زیست

الهیات زیست‌محیطی برای بهره‌گیری از ظرفیت دین، در حفاظت و حمایت از محیط زیست و تبیین و توجیه نظام‌مند جایگاه آن در جهان هستی شکل گرفته است. از این‌رو، ضمن ایفای نقش کلامی در پاسخ به شبهات نوین، در صدد است با استفاده از سنن و منابع دینی و الگوهای الهیاتی، با تبیین نسبت میان خداوند و جهان هستی و تحلیل نقش و رابطه انسان با طبیعت، به ریشه‌یابی و چاره‌جویی بحران‌های زیست‌محیطی بپردازد (صالح و حسنی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۵).

ادیان الهی بر اصلاح نگرش انسان بر مبنای آموزه‌های وحیانی تأکید کرده و به فراخور مبانی و تعالیم آسمانی خود، مدل‌های الهیاتی برای مقابله با بحران محیط زیست ارائه داده‌اند. الهی دانان و متکلمان مسیحی معتقدند می‌توان با بازخوانی و تمرکز در متون مقدس، رابطه‌ای نظام‌مند میان انسان و طبیعت مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی پی‌ریزی کرد که محیط زیست سالم، انعکاسی از تحقق ملکوت و وعده الهی شمرده می‌شود (همان، ص ۱۲۴-۱۲۵). دیدگاه دین یهود در حل بحران محیط زیست بر اساس تعالیم و منابع دینی آن، از یک طرف، اتخاذ بینشی قدسی به کائنات و از سوی دیگر، تدوین اخلاقیاتی است که بر قربت بشر با عالم طبیعت و مسئولیت انسان در حفظ کره خاکی و مخلوقات آن تأکید دارد (نصر، ۱۳۸۶، ص ۳۹۸).

۳. مبانی الهیات زیست محیطی علامه جوادی آملی

۳-۱. نظام احسن و حکمت باری تعالی

نظریه نظام احسن، از مبانی مهم جهان‌شناسی فلسفی، کلامی و عرفانی به شمار می‌رود. بر اساس آن، جهان آفرینش، به بهترین وجه در سایه حکمت و تدبیر الهی و در پرتو رحمت، قدرت و عنایت حق تکوین یافته است؛ به گونه‌ای که مجموعه خلقت، با زیبایی، نظم و هماهنگی اجزای آن، حقیقتی واحد است که با نیکوترین نظام و محکم‌ترین انسجام، رو به سوی غایتی متعالی دارد. در هستی‌شناسی علامه، نظام احسن، بر اساس حب و عشق ذاتی الهی، عنایت و علم خداوند به هستی، وحدت و اتقان نظام خلقت، خیریت ذاتی حق و سریان رحمت مطلق الهی در عالم، تبیین و اثبات شده است. براین اساس، جهان نظام‌مند آفرینش، در نهایت حسن و جمال است و قداست، شعورمندی، حیاطمندی و غایت‌مندی کائنات، از ثمرات آن به شمار می‌رود (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۶۰۳-۶۳۹). در نگرش عرفانی علامه، تمام عالم، جلوه حق به شمار می‌رود و حقایق متعدد آفرینش، تجلیات آن حقیقت واحدند که در غایت حسن و کمال سرشته شده‌اند. براین اساس، عالم مظهر و تجلی کمالات ذاتی حق بوده و پدیده‌های خلقت، ظهور صفات فعل او در آفرینش محسوب می‌شوند (همان، ص ۶۰۵-۶۰۶) که ضمن برخورداری از قداست، خیریت و تعالی ذاتی، شر و نقصان در آنها راه ندارد (ابن عربی، ۱۹۹۴، ج ۹، ص ۴۲۲) و دارای غایت و کمالی متعالی است.

بر اساس مبانی حکمت متعالیه، ازجمله «اصالت و تشکیک وجود»، سلسله پیوسته و نظام‌مند هستی، حقیقت واحد ذومراتبی است که از مبدأ فیض الهی و ذات جامع کمالات وجودی صادر شده است و در حدوث، بقا و انسجام خود، وابستگی تام به او دارد. در چنین نگرشی، ضمن ارتباط طولی عوالم آفرینش با استقرار مخلوقات در مراتب مختلف وجودی و اتصال عینی و تکوینی آنها با یکدیگر، هر فعل و انفعالی، کلیت نظام خلقت را متأثر می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۶۲۰-۶۲۱). همچنین علامه با استناد به «توقیفیت اسماء»^۱ و «نظام علی و معلولی»، اتقان و استحکام نظام آفرینش را تبیین و اثبات نموده است؛ به گونه‌ای که حقایق عالم، با احکام، حدود و آثار ویژه خود در مرتبه معین هستی قرار گرفته و نسبت به مقام خود ثابت و پایدارند (همان، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۳۳). در چنین نظامی، طبیعت علاوه بر جایگاه معین و مشخص خود، نسبت ویژه‌ای با منظومه جامع خلقت دارد؛ به نحوی که هر نوع تغییر در وضعیت آن، کل عالم هستی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

علامه در هستی‌شناسی توحیدی، بر اساس اصول و مبانی فوق، ضمن جایگزینی خلقت با طبیعت، محیط زیست را رقیقه آن وجود حقیقی (همان، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۱۷۸) و تجلی‌گاه اسماء و صفات حسنی باری دانسته که در سیر نزولی عوالم وجودی تحقق یافته است (همان، ۱۳۸۶، الف، ص ۳۲۳-۳۲۴). ایشان محیط زیست و حقایق آن را مظاهر رحمت الهی، جلوه جمال حق و آیات و نشانه‌های الهی می‌داند (جائیبه: ۴-۳) که به جهت ارتباط وثیق با حق تعالی، از قداست و تعالی وجودی برخوردارند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۶۰۸). به علاوه، حقایق طبیعی بر اساس طرح‌ریزی و تقدیر مشخص و متناسب با قوا و استعدادهای گوناگون آفریده شده‌اند و با کارکرد خاص خود، با یکدیگر ارتباط و تعامل دارند. به عبارتی، با سریان قوانین و سنن ثابت الهی در عالم طبیعت، مجموعه‌ای

۱. در سلسله طولی اسماء، اسماء ذات، صفات و افعال الهی موطن خاصی دارند و خصوصیات هر موطنی باعث ظهور حق تعالی در آن مرتبه است. مثلاً در موطنی که اسم فعل الهی (رازق) مشاهده می‌شود، اسم ذات خداوند (علیم) ظهور ندارد. به عبارت دیگر، کلیات اسماء در مقام واحدیت خداوند، دارای موطن خاص و نیز جزئیات اسماء که از ترکیب آنها حاصل می‌شوند و در عالم کائنات ظهور دارند، جایگاه خاصی دارند و قابل تقدم و تأخر نیستند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۳۳-۲۳۴).

متوازن، متقن و نظام‌مند تحقق یافته است که هیچ‌گونه خلل و خطایی در آن راه ندارد (همان، ۱۳۸۴ الف، ص ۳۳۹-۳۴۱). ایشان زیست‌بوم و پدیده‌های آن را ابداع مدبری حکیم می‌دانند که در پرتو علم، عنایت^۱ و قدرت ربانی، به بهترین و کامل‌ترین وجوه صنع، فیض وجود یافته‌اند (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۷، ص ۵۷) و ضمن بهره‌مندی از ادراک و حیات، در سیر استکمالی خود به سوی ذات اقدس خداوند در حرکت‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ص ۱۳۰-۱۳۱). از این رو، مجموعه باشکوه و نظام‌مند طبیعت، نعمتی از نعیم کبریایی و ثمره علم و قدرت بیکران و فیض و حیات سرمدی است که اثر او جز نظام احسن نخواهد بود (همان، ۱۳۹۰ الف، ص ۳۷).

۳-۲. خلیفه‌اللهی انسان

باتوجه به نقش محوری انسان در تحولات نظام خلقت و طبیعت، بررسی جایگاه هستی‌شناختی وی، رکن اصلی مبانی انسان‌شناسی دینی و فلسفی محسوب می‌شود و تبیین مقام و نقش خلیفه‌الله در نظام احسن و بررسی نسبت آن با طبیعت، از اصول مهم الهیات زیست‌محیطی به شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که نحوه تعامل انسان و طبیعت و مسئولیت‌های وی در حفاظت از محیط زیست و تأمین سلامت فردی و اجتماعی بشر، مبتنی بر آن است (همان، ۱۳۸۸ الف، ص ۱۵).

در نگاه معرفت‌شناختی بسیاری از اندیشمندان، انسان به جهت جامعیت و تعدد ساحات وجودی، قابلیت ادراک همه شئون هستی و سیر از عالم طبیعت تا مرتبه الوهیت را دارد (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۹۸)؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر وجوه ملکی، جسمانی و طبیعی، ابعاد ملکوتی و الهی را شامل می‌شود. همچنین، واجد قوای نفس ناطقه و عاقله، و از اراده و اختیار برخوردار است. براین اساس، در سیر تکوینی و استکمالی عوالم ماده تا ملکوت و سیورورت وجودی، کمالات بالقوه‌اش را متناظر با نیازهای وجودی به فعلیت می‌رساند و با کسب مراتب حیات انسانی، به مقام وحدت عقلی نائل می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۴ ب، ص ۱۶۸-۱۷۳).

۱. تکوین عالم هستی به علم عنایی حق و عین رضای اوست؛ به‌گونه‌ای که جهان با علیت و علم ذاتی باری تعالی به نظام اتم و احسن وجود سامان یافته و او به مشیت خود به این نحو از آفرینش راضی است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۷، ص ۵۷).

خداوند سبحان نوع بشر را به جهت عظمت وجودی و اتصال به منبع علم الهی، به شرافت ذاتی مزین نموده و با افاضه روح الهی، به مقام رفیع خلیفه الهی منسوب گردانیده است. از نظر علامه، حقیقت انسان با آفرینشی ویژه سرشته شده است و تأله و حیات الهی، مقوم هویت وی به شمار می رود (همان، ۱۳۸۹ ج، ص ۲۱۶-۲۱۸)؛ به گونه ای که بینش شهودی نسبت به مدبر عالم و گرایش و حب آگاهانه به او در متن خلقت وی پی ریزی شده است. (همان، ۱۳۸۴ ب، ص ۲۶-۲۷). براین اساس، هرگاه با بهره گیری از ظرفیت های وجودی، در مسیر صلاح و ثواب گام بردارد، به کمال معرفت و قرب الهی نائل می شود و از این رهگذر، مسجود ملائک و خلیفه خداوند می گردد (همان، ۱۳۸۹ و، ج ۳، ص ۴۰). بنابراین، مقام خلیفه الهی، ضمن دلالت بر جامعیت فضایل و کمالات انسان نسبت به سایر مخلوقات، از جانشینی حق تعالی در «تمامی شئون وجودی، آثار، احکام و تدابیر» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۱۵) عالم هستی حکایت می کند که آیه «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» تلمیح به این معنا است.

در الهیات زیست محیطی علامه، نظریه خلیفه الهی علاوه بر تفسیر ارزش و جایگاه هستی شناختی انسان در عالم و تعیین روابط میان مبدأ و معاد، ارتباطات و تعاملات وی با سایر مراتب هستی و مخلوقات را تبیین می نماید؛ به گونه ای که نقش محوری خلیفه الله را در ابعاد نظری و عملی حیات انسانی، قابلیت ها و کارکردهای وی را در عرصه حیات و سلامت فردی و اجتماعی و نتایج مترتب بر آن را در خلقت و طبیعت آشکار می سازد. (جوادی آملی، ۱۳۸۴ ب، ص ۷۷). براین اساس، ایشان تسلط خلیفه الله بر نظام آفرینش به اذن الهی را از ابعاد عملی خلافت وی می داند که ضمانت علمی، اجرایی و معنوی انسان در بهره وری و تسخیر طبیعت، مبتنی بر آن است (همان، ۱۳۸۹ و، ج ۳، ص ۴۱). درون مایه چنین نگرشی، تصرف حکیمانه و تدبیر خردمندانه زیست بوم با توجه به مصالح عالیه نظام هستی و بشر است که آدمی را در مقام امین و وکیل خداوند، نسبت به پرورش قوا و انتظام اجزای خلقت، بهره برداری بهینه از مواهب طبیعت و حفاظت محیط زیست، متعهد و مسئولیت پذیر می سازد (همان، ۱۳۸۸ هـ ج ۱۶، ص ۴۴۰) و دامنه رفتارهای اخلاقی انسان را در تعامل با زیست بوم افزایش می دهد (همان، ۱۳۸۸ الف، ص ۲۷-۲۸). به علاوه، آثار

حیات طیبه و متعالی چنین جایگاهی در خلقت، تدبیر فراگیر جهان و احاطه قیومی بر مخلوقات را شامل می‌شود؛ تا آنجا که تصرف تکوینی و تشریعی در آفرینش، فیض بخشی به عالم و هدایت موجودات به سوی غایات خلقت، از لوازم آن به شمار می‌رود که ثمرات آن را می‌توان در اداره و احیای زمین مشاهده نمود (همان، ۱۳۹۰ ج، ۷، ص ۴۷). لذا به تصریح علامه: «فرهنگ زیست محیطی، با مقام برین جانشینی خدا آمیخته است» (همان، ۱۳۸۹ الف، ص ۱۹۷). براین اساس، خلیفه خداوند در پرتو حیات متألّهانه، با هماهنگی قوای درونی، اعتدال نفسانی و سازگار نمودن افعال خود در راستای تعادل و کمال طبیعت (همان، ۱۳۸۸ الف، ص ۷۳-۷۴)، علاوه بر حفاظت زیست بوم و رونق آن، زمینه رشد و تکامل جسمانی و روانی را در راستای کسب سلامت معنوی و تعالی وجودی هموار می‌نماید (همان، ۱۳۸۹ الف، ص ۱۹۷) و جامعه سالم و مدینه فاضله الهی و قرآنی را محقق خواهد نمود (همان، ۱۳۸۶ ج، ۴، ص ۳۵۴).

۴. نظریه خلقت: جایگاه ویژه طبیعت در اندیشه علامه جوادی آملی

از نظر علامه، بشر مدرن مبتنی بر فلسفه الحادی غرب، نظام هستی را مجموعه‌ای فاقد حیات و منفصل از مبدأ و معاد ارزیابی می‌کند (همان، ۱۳۸۸ ب، ص ۱۳۵). در این نگاه، عنوان «طبیعت» با تنزل ارزش و جایگاه الهیاتی آن در خلقت توأم گشته است؛ به گونه‌ای که ضمن غفلت از پیوند طولی نظام خلقت با مبدأ هستی، سیر تحولات و تطورات مظاهر طبیعی به صورت عرضی، در محدوده نظام داخلی آن و در بستر زمان، حرکت، ماده و نظایر آن بررسی می‌شود (همان، ۱۳۸۸ الف، ص ۱۲۹ و همان، ۱۳۸۸ ب، ص ۱۳۵). به علاوه، با نگرش ایزاری و سلطه جویانه به طبیعت، آن را وسیله‌ای در جهت توسعه رفاه مادی و رونق اقتصادی قلمداد می‌کنند و در راستای اهداف منفعت طلبانه به خدمت می‌گیرند.^۱ ایشان در نقد و بررسی دیدگاه فوق، «نظریه خلقت» را ارائه نموده و با تبدیل جریان «طبیعت» به عنوان «خلقت» و فعل الهی، درصدد اصلاح نگرش انسان معاصر به محیط زیست و تبدیل آن به جایگاه ذاتی و منظم طبیعت در جهان آفرینش برآمده‌اند.

در آموزه‌های اسلامی، مبتنی بر نظام احسن الهی، عالم طبیعت، گستره حیات

۱. ر.ک: به بخش «ویژگی‌های دوران مدرن و نسبت آن با بحران‌های زیست محیطی».

انسان و سایر موجودات به شمار می‌رود که در فعلیت بخشی به غایت خلقت مؤثر است؛ به‌گونه‌ای که حقایق طبیعی، افعال الهی‌اند که ضمن اتصال وجودی با حق تعالی و ارتباط با انسان و عالم هستی، از مبدأ فیض و اسماء الهی نشئت می‌گیرند و به آن منتهی می‌گردند. براین اساس، شعورمند، تسلیم و تسبیح‌گوی ذات اقدس الهی و از هذفمندی خاص و عام برخوردارند. بنابراین، جایگاه طبیعت در سلسله مراتب نظام خلقت، از ارکان غایت‌مندی جهان آفرینش به شمار می‌رود و از قداست و ارزشمندی ذاتی برخوردار است. لذا تخریب و تضییع مواهب طبیعی یا اختلال در شبکه اکوسیستم‌ها، حیات زیست‌بوم و چرخه هستی را به مخاطره می‌اندازد که غفلت از جایگاه و غایت طبیعت در نظام آفرینش، کفران نعمت الهی و تهدید کل عالم محسوب می‌شود. (همان، ۱۳۹۶، ص ۷۳۷-۷۳۸ و طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۹۵).

بنابراین، «نظریه خلقت» ضمن تبیین جایگاه ارزشمند طبیعت در جهان هستی، بر سایر قلمروهای جهان آفرینش سایه می‌اندازد و با مبانی توحیدی وابسته است؛ به‌گونه‌ای که عنوان «خلقت»، مقوم هویت زمین و موجودات به شمار می‌رود که شناخت آن بدون معرفت خالق مدبر و حکیم امکان‌پذیر نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰). از این رو، سیاست‌ها و راهبردهای نظری و عملی قرآن و عترت علیه السلام در راستای حفاظت و آبادانی محیط زیست، بر اساس جایگاه ارزشمند طبیعت در جهان خلقت شکل گرفته است (همان، ۱۳۸۸ الف، ص ۴۶). همچنین، توجه به الهیات زیست‌محیطی و ظرایف آن، در جهت حل بحران ضرورت دارد که با ایجاد پیوند معرفتی میان جهان‌بینی الهی و تفسیر صحیح از زیست‌بوم، قلمروها و ارتباطات آن مبتنی بر اصول زیست‌محیطی حیات انسانی تبیین می‌شود و مسئولیت‌های آدمی نسبت به اداره و حفاظت محیط زیست معین می‌گردد (همان، ۱۳۸۹ الف، ص ۱۹۷).

۵. آثار طبیعت در خلقت و نسبت آن با سلامت اجتماعی

بر اساس مباحث پیشین، «طبیعت» از جایگاه و حکمت خاص و عام برخوردار بوده و بدین سان از آثار، ثمرات و غایات متعددی در مجموعه خلقت بهره‌مند است؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر تأمین نیازهای جسمی و روحی آدمی، بر هندسه معرفتی، شکل‌گیری

شخصیت و رفتار و نوع تعاملات و ارتباطات وی با مخلوقات تأثیرگذار است. در نظام الهیات زیست محیطی مبتنی بر جهان بینی اسلامی و دیدگاه علامه جوادی آملی، طبیعت از کارکردهای مادی، معنوی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و... در نظام آفرینش برخوردار است. براین اساس، تأمین اصول زیست محیطی، حفاظت زیست بوم و پرهیز از تخریب و آلودگی آن، از حقوق طبیعت بر آدمی و تکالیف انسانی به شمار می رود که با حیات فرد و جامعه پیوند دارد (همان، ۱۳۸۸ الف، ص ۸۴).

۵-۱. کارکردهای طبیعت در سلامت مادی

طبیعت، مبدأ مراحل تکوین و رشد مخلوقات و شرط لازم زیست مادی و تکامل آنها به شمار می رود؛ به گونه ای که با فقدان یا اختلال در زیست بوم، حیات و بقای موجودات و به ویژه انسان، دچار تحول و آسیب های فراوانی می گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۹۵). براین اساس، پرورش ابعاد جسمی و روحی آدمی و تداوم حیات فردی و اجتماعی بشر و نسل های آتی او مستلزم فراهم شدن اسباب معیشت مادی و سلامت زیست محیطی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ص ۲۵۱-۲۵۲). بنابراین، سلامتی و نشاط بدن و روان انسان، رفاه، امنیت و آرامش جامعه بشری، به عوامل و پدیده های محیط زیست وابستگی دارد که بر اساس کارکرد و جایگاهشان در حیات انسانی، از اهمیت بسزایی برخوردارند (همان، ص ۱۴). به علاوه، در مبانی قرآنی، جسم مرکب روح و ابزار تدبیر نفس به شمار می رود؛ به گونه ای که تقویت و تجهیز قوای جسمانی و روانی در تعامل با پدیده های طبیعت، نقش اساسی در تربیت عقلانی و معنوی آدمی و تعالی وجودی وی ایفا می کند (همان، ۱۳۹۰ ب، ص ۴۰).

عناصر زیست محیطی، شامل آب، هوا و خاک، از مؤثرترین عوامل ساختاری زمین و چرخه زیستی پیوسته ای از منابع طبیعت به شمار می روند که حیات و بقای موجودات از آنها متأثرند. آب و خاک، سرچشمه آفرینش و هستی انسان و موجودات زنده (انبیاء: ۳۰ و حجر: ۲۶) و مبدأ تغذیه و رشد آنها (نحل: ۱۱ و یونس: ۲۴) محسوب می شود و صفا و پاکیزگی طبیعت از آن نشئت می گیرد؛ به گونه ای که با تطهیر آلودگی های جسمانی و محیطی، تجزیه فضولات و پسماندهای محیط زیست و حفظ و توسعه پوشش گیاهی آن، در سلامت و تعادل مجموعه زیست بوم نقش اساسی ایفا می کند (Lat, 2015, pp58-78). نصوص دینی، ضمن اشاره

به اثرات آب و خاک در نظافت بدن و دفع امراض جسمانی (انفال: ۱۱ و نساء: ۴۳)، نقش باران را در آراستگی و تطهیر طبیعت و احیای فضای سبز (نحل: ۶۵؛ حجر: ۲۲ و طه: ۵۳)، و تأثیر خاک را در ذخیره و تصفیه منابع آبی، پرورش موجودات (ق: ۷) و نابودی آلودگی های اقلیمی، مهم و اساسی ارزیابی می نماید.^۱ همچنین نور آفتاب علاوه بر نقش پاک کنندگی و حیات بخشی به زمین و موجودات، از محرک های تأثیرگذار بر جسم و روان آدمی و عواطف، احساسات و فعالیت های حیاتی وی به شمار می رود. به علاوه، بادها در شمار پدیده های طبیعی مؤثر در باروری گیاهان و احیای زمین قرار دارند و نسیم های فصلی، بر پرمردگی یا طراوت روح و جسم آدمی و تغییر سطح توانایی ها و سلامت ذهن و خلق و خوی وی تأثیرگذارند.

بنابراین، صفات و ویژگی های جسمی و روحی، کیفیت زندگی، تغذیه و نحوه عملکرد حیاتی موجودات و به ویژه انسان و نوع رفتار و خلقیات آدمی، از تغییرات جوی و تنوع اقلیمی متأثرند؛ به گونه ای که نوسانات جوی هوا، با اثرگذاری بر عملکرد مغز، قلب و جریان خون انسان، تحریکات عصبی متفاوت را موجب می شوند. همچنین، تغییرات نور آفتاب، دما و رطوبت هوا، بر میزان هوشیاری و تحریک پذیری افراد نسبت به محیط اطراف، رفتار و عکس العمل های متفاوت آنها تأثیر دارد (غیاث و شرقی، ۱۳۹۷، ص ۱۴-۱۶). باتوجه به چالش های زیست محیطی عصر حاضر، به ویژه خشک سالی و «بحران آب و هوا»، بررسی نقش آلاینده ها در ایجاد تغییرات و نوسانات ناگوار محیطی و جوی، حائز اهمیت است (Schlosser and et al, 2014, pp341-361)؛ به گونه ای که آلودگی اکوسیستم ها، چرخه عناصر طبیعی زمین را مختل می کند و سلامت محیط زیست و به تبع آن، حیات فردی و اجتماعی انسان را به مخاطره می اندازد. فرهنگ جامع قرآن و سنت، عناصر محوری زمین را از بزرگ ترین نعمت های الهی معرفی کرده و به نقش آنها در حفظ حیات و سلامت انسان و موجودات توجه نموده است. از این رهگذر، پویایی و نشاط زندگی را در بهره مندی از هوای پاکیزه، آب گوارای فراوان و زمین حاصلخیز می داند (فرقان: ۴۸).^۲ همچنین اهتمام

۱. رک: مفاتیح الحیاه، بخش پنجم، تعامل انسان با محیط زیست.

۲. امام صادق ع می فرماید: «لا تطیب السکني إلا بثلاث، الهواء الطيب والماء الغزير العذب والارض الخواهر» (تحف العقول، ص ۳۲۰).

به سلامت محیط زیست و بهره برداری بهینه از منابع طبیعی، بررسی چگونگی پالایش و تصفیه آب و هوا و ارزیابی راهکارهای احیا، تسطیح، کویرزدایی و صیانت زمین را از وظایف انسانی و دینی قلمداد نموده است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۷۰۶).

طبیعت منشأ بسیاری از نیازهای اولیه و بنیادین انسان به شمار می رود که در پرورش و تربیت مادی و معنوی انسان نقش اساسی ایفا می کند. زمین، محل سکونت و قرارگاه آدمی، جایگاه رشد، بلوغ و ثمردهی انسان، محل تأمین نیازهای زیستی و کسب آسایش جسمانی و روانی وی است. آموزه های قرآنی، استقرار بشر در زمین و سکنی گزیدن آدمی را از نشانه های حکمت و تدبیر خداوند در آفرینش معرفی کرده است (رعد: ۳) و آرامش و امنیت وی را وابسته به آن می داند؛ به گونه ای که پرورش و کمال ابعاد وجودی، ارضای عواطف، احساسات، غرایز و تحکیم روابط انسانی، از کارکردهای مسکن در الهیات زیست محیطی به شمار می رود (نحل: ۸۰ و نور: ۲۷) (کشفی و همکاران، ۱۳۹۳). از طرفی، تنوع اکوسیستم ها و تحولات جوی، باتوجه به شرایط اقلیمی و پستی و بلندی های زمین، از جمله کوهستانی، جزیره ای یا کویری بودن مناطق آن متغیر بوده و بر قوای بدنی، صفات جسمانی و روانی، خلقیات، نوع رفتار و چگونگی سامان یابی تن و روان انسان مؤثر است. براین اساس، در نصوص اسلامی، مبتنی بر کارکرد سکونت گاه در حیات و استکمال آدمی و تأثیر آن در بهبود روابط انسانی، علاوه بر شرایط فیزیکی، ضوابط و شاخصه های مؤثر جغرافیایی و محیطی در ساخت بنا و معماری مسکن بررسی، و ارزش های اعتقادی و فرهنگی تأثیرگذار بر ویژگی ها و کیفیت آن تشریح شده است (غیاث و شرقی، ۱۳۹۷، ص ۱۷-۲۰). بر اساس عوامل مذکور، با انتخاب زمین و مکان مناسب زندگی و بهره مندی خردمندان از محیط زیست، کیفیت زندگی و اعتدال جامعه بشری ارتقا می یابد و در پرتو آن، سلامت فردی و اجتماعی بشر تأمین می گردد (اعراف: ۷۴) (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۳). زیست بوم، مبدأ و رکن اساسی تغذیه و رشد و نمو موجودات زنده به شمار می رود که حیات و بقای آنها و پرورش و تکامل ابعاد وجودی و شخصیتی آدمی با آن ارتباط دارد؛ به گونه ای که صحت و راحتی بدن، مصون ماندن آن از بیماری ها و ابتلائات جسمانی و آرامش و تعادل رفتاری و روانی وی وابسته به تغذیه سالم است (همان، ۱۳۸۹، ط، ج ۲۱، ص ۵۱۳).

و همان، ۱۳۸۸ ج، ص ۷۱-۷۲). در این میان آب، مایه حیات (انبیاء: ۳۰) و مهم ترین منبع غذایی طبیعت به شمار می رود (نحل: ۱۰) که قسمت عمده ساختار بدن موجودات را تشکیل داده و بر فعالیت های اندام های داخلی، تنظیم حرارت، دفع سموم و بیماری های بدن مؤثر است (Mann and Truswell, 2002, pp113-119). همچنین، برخی مواد مغذی به ویژه ویتامین ها، مواد معدنی و پروتئین ها، در رشد و نمو، نوسازی، حفاظت اعضا و هماهنگی بین آنان نقش دارند و ضمن بهبود جریان خون و افزایش سیستم ایمنی بدن، بر سلامت سلول های مغز و اعصاب، عملکرد حافظه و فعالیت های روانی تأثیرگذارند. براین اساس، تغذیه کامل و رژیم غذایی متعادل، علاوه بر تأمین انرژی بدن و بهبود عملکرد حیاتی آن، بر تندرستی و شادابی تن و جان می افزاید (same, pp 55-77 and pp120-258). تأثیر محیط زیست بر تغذیه و نسبت آن با سلامت جسم و روان بشر تا آنجاست که به دلیل چالش های زیست محیطی، کاهش دسترسی به منابع طبیعی، آبی و غذایی و تهدید امنیت تغذیه،^۱ عمده جنگ های آتی و بحران های اجتماعی از آن نشئت می گیرد (Schlosser and et al, 2014, pp341-361). نصوص دینی، بر ضرورت اهتمام به سلامت و آبادانی زیست بوم و حفاظت منابع غذایی تأکید و رهنمودهای مؤثری در رابطه با سلامت مادی و معنوی تغذیه ارائه نموده است؛ به گونه ای که علاوه بر توجه به ماهیت کیفی و کمی تغذیه، بهداشت و آداب آن، تأثیرات ویژه مواد غذایی را در رشد اعضای بدن، پرورش قوای جسمی و روحی و خواص درمانی آنها را تشریح کرده و رابطه رژیم غذایی با مزاج و طبایع آدمی و نقش آنها را بر ابعاد شناختی، خلقی و رفتاری انسان تبیین نموده است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹-۱۵۶).

محیط زیست، منبع مهم و اساسی پوشاک انسان به شمار می رود (همان، ۱۳۸۶، ص ۱۳۱) که با توجه به کارکردهای مادی و معنوی آن در حیات، سبک زندگی و تمدن بشر، بررسی رابطه زیست بوم با پوشش انسانی و تأثیر آن بر صحت و امنیت جسمانی و روانی آدمی حائز اهمیت است؛ به گونه ای که میزان سازگاری جنس و رنگ پوشاک با طبیعت و بدن، علاوه بر تأثیرگذاری بر سلامتی و نشاط انسان، در خلیات، اندیشه و نوع رفتارهای وی مؤثر است و زمینه تکامل شخصیت فردی و اجتماعی آدمی را فراهم

۱. ر.ک: <https://time.com/5216532/global-food-security-richard-deverell>

می سازد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۶۸-۷۰). بنابراین، آموزه‌های دینی، علاوه بر توجه به آراستگی ظاهری، اندازه، کیفیت و نوع پوشش، رعایت بهداشت لباس و محیط را در راستای پرورش تن و جان آدمی و بهبود و ارتقای روابط انسانی و اجتماعی مؤثر می‌داند^۱ (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۷-۱۶۴).

کارکردهای مادی محیط زیست را می‌توان علاوه بر تأمین نیازهای اولیه و ثانویه آدمی، رشد و شکوفایی حیات اقتصادی و اجتماعی جامعه بشری ارزیابی نمود. براین اساس طبیعت، بستر کار و تلاش انسان و عرصه اشتغال و فعالیت‌های تولیدی اوست که با نیازهای مادی، روانی و رفاهی آدمی، ارزش‌های فردی و اجتماعی و معیارهای زیست‌محیطی پیوند دارد. ازاین‌رو رونق معیشت و رشد اقتصاد و تجارت، با سلامت زیست‌بوم و منابع طبیعی مرتبط است و ایجاد قوانین و ضوابط در کار و تولید و تعادل در مصرف، در حفاظت از زیست‌بوم اهمیت مضاعفی می‌یابد. می‌توان ادعا نمود امروزه محیط زیست، منبع مهم صنعت گردشگری دنیا محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که اختصاص پارک‌های وسیع و طبیعی در اقصی نقاط جهان به این امر، علاوه بر شناخت عجایب خلقت و ظرفیت‌های ناشناخته زمین و بهره‌برداری اقتصادی از آن، سهم بسزایی در ایجاد نشاط اجتماعی و ارتقای معرفتی و معنوی جامعه ایفا می‌کند. آموزه‌های قرآنی، گستره زمین از اعماق دریاها تا اوج آسمان‌ها را عرصه فعالیت‌های انسانی معرفی نموده است و با تأکید بر ضرورت تحرک و پویایی بشر و بهره‌مندی خردمندانه از منافع طبیعت، سستی و بی‌کاری را آفت و تهدید امنیت و ثبات جامعه به شمار می‌آورد؛ به‌گونه‌ای که در عرصه کار و تولید، علاوه بر رشد مادی و آرامش روانی آدمی، عزت، کرامت و استقلال جامعه تأمین می‌گردد و در پرتو آن، بر آبادانی و رونق محیط زیست به عنوان منبع مهم تولید و پویایی اقتصاد جامعه افزوده می‌شود (همان، ۱۳۸۸ الف، ص ۲۳۳-۲۶۶).

۵-۲. کارکرد طبیعت در رشد معرفتی و سلامت عقلانی

یکی از تفاوت‌های معنادار الهیات زیست‌محیطی با دیگر دانش‌های زیست‌بوم، نگاه معرفت‌بخش به طبیعت، ساحات و ابعاد آن در چهارچوب نظام احسن الهی است که

۱. ر.ک: کلینی، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، باب اللباس.

زمینه‌ساز رشد عقلانی و اخلاقی آدمی محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که نصوص دینی، ضمن اشاره به برخی موارد خاص، بر نگاه عالمانه و مدبرانه به مجموعه نظام خلقت تأکید کرده است. می‌توان ادعا نمود اصلاح جهان‌بینی انسان در ارتباط با طبیعت، علاوه بر آبادانی محیط زیست، به رشد اندیشه و آگاهی وی، تنظیم روابط با خلق، هستی و زیست‌بوم، توسعه سطح سلامت جسمی، روانی، فردی و اجتماعی بشر و سازگاری مؤثرتر با نظام آفرینش در جهت وصول به اهداف خلقت می‌انجامد (همان، ۱۳۸۸ الف، ص ۱۳۲-۱۳۸). در فرهنگ دینی، سیر آفاقی در عالم و درک قوانین حاکم بر هستی، از اصول اساسی تعالیم الهی در راستای پرورش عقلانی انسان به شمار می‌آید؛ به گونه‌ای که مشاهده و تأمل در شگفتی‌ها و اسرار درونی طبیعت و عبرت‌گیری از حقایق آن، توجه به کیفیت خلقت، منافع و فواید پدیده‌های زمین، در راستای تحکیم بنیان‌های اعتقادی و تربیتی انسان نقش اساسی ایفا می‌کند که در ذیل به مهم‌ترین ابعاد آن اشاره می‌شود.

توجه به آثار صنع الهی در خلقت، علم، قدرت و حکمت مدبر هستی را به تصویر می‌کشد و نظم، انسجام و هدفمندی مجموعه طبیعت، درک حقیقت قدسی، شعورمندی و ارتباط آن با مبدأ حکمت متعالی، معارف توحیدی و هستی‌شناسی انسان را در راستای تعالی معنوی وی ارتقا می‌دهد. قرآن کریم با اشاره به اختلاف در آفرینش شب و روز، چرخش باده‌ها، حرکت ابرها، نزول باران، رویش گیاهان و ثمردهی درختان و... آیات معرفت در نظام خلقت را تجلی اسماء و صفات خداوند و نشانه‌هایی برای صاحبان اندیشه و خرد معرفی می‌نماید (همان، ۱۳۸۸ هـ، ج ۱۶، ص ۵۹۴-۶۰۸).

آموزه‌های دینی در راستای معرفت‌افزایی و رشد و صلاح بشر، بهره‌گیری از تمثیل‌های طبیعی را در جهت تبیین ماهیت برخی حقایق عالم هستی و وقایع خیر و شر آن مؤثر می‌داند که با ایجاد تناظری عقلانی میان این امور و پدیده‌های طبیعت، حقایق انتزاعی و معنوی را به موضوعات محسوس و قابل ادراک تشبیه نموده است. معارف قرآنی، با اشاره به آفرینش بدیع انسان و مخلوقات، کیفیت و مراحل تکوین و رشد آنها، احیای زمین، تحولات طبیعت و سیر آنها به سوی مبدأ هستی، امکان و ضرورت معاد را اثبات و تداعی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۳۴۴-۳۴۸). همچنین تبیین ضرورت نبوت و باور به

حقانیت رسل الهی، از دیگر اصول اعتقادی مورد تأکید خداوند به شمار می‌رود که اشاره به نور آفتاب و روشنایی آن، بادهای بشارت‌دهنده و نزول باران در قرآن کریم بر آن دلالت دارد (همان، ج ۱۵، ص ۲۲۵-۲۲۸). به علاوه، ترسیم سیمای حق به آب جاری (رعد: ۱۷) و شجره طیبه، تصویر نمودن هیئت باطل به شجره خبیثه (ابراهیم: ۲۴-۲۶)، همانندسازی ابعاد فریبنده و جلوه‌های زودگذر حیات دنیوی با تحولات ناپایدار زمین (یونس: ۲۴)، از جمله تمثیل‌های قرآنی در جهت تثبیت عقاید، رشد سجایای اخلاقی، تکامل قوای عقلانی و نفسانی و پرورش ابعاد وجودی انسان به شمار می‌رود. علاوه بر آن، عالم طبیعت، گستره عبرت‌گیری از حوادث و رخدادهای دنیا محسوب می‌شود. تدبیر و ژرف‌اندیشی در حوادث تاریخی و بررسی سرگذشت اقوام، ملل و تمدن‌ها، علاوه بر ارتقای آگاهی، تکامل قوای عقلانی و نفسانی و رشد سجایای اخلاقی انسان، ارتباطات وی با جهان خلقت و طبیعت را کمال می‌بخشد (آل عمران: ۱۳ و ۱۳۷؛ یوسف: ۱۰۹؛ حج: ۴۶؛ روم: ۹؛ فاطر: ۴۴؛ نمل: ۶۹).

باتوجه به آنچه به تلخیص گذشت و به تفصیل در نصوص دینی قابل مشاهده و رصد است، محیط زیست، منبع مهم معرفتی و رشد عقلانی و اخلاقی آدمی و از ارکان سلامت و نشاط روحی، روانی، فردی و اجتماعی بشر به شمار می‌رود.

۵-۳. کارکردهای طبیعت در سلامت معنوی

سلامت و تعالی معنوی انسان، از مهم‌ترین اهداف تربیتی انبیای الهی و از ارکان نصوص و حیانی در الهیات زیست محیطی اسلام به شمار می‌رود؛ تا آنجا که بخش عمده‌ای از تعالیم فقهی، اخلاقی، عرفانی و عبادات، به تقویت و تأمین این رکن اختصاص یافته است. معنا و معنویت، شالوده اصلی غالب بینش‌ها، گرایش‌ها، اعتقادات و اخلاقیاتی است که در الهیات اسلامی بر آنها تأکید شده است؛ به گونه‌ای که حیات متألّهانه آدمی، سیر مراحل خودسازی، پرورش ابعاد وجودی و شخصیتی و تضمین سلامت جسمی، روحی و اجتماعی بشر، مبتنی بر آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۴۰-۴۷). بدین سان، فقدان معنا و معنویت، پویایی و نشاط مادی و معنوی انسان و سایر شئون و ساحت‌های زندگی بشر را به چالش خواهد کشید. از آنجا که در ادبیات دینی، معنویت در حقیقت و باطن عمل نهفته است و با نظام اعتقادی و اهداف یک رفتار خاص ارتباط دارد، در بیان قرآنی، آیات الهی و نشانه‌های

آن در طبیعت، تجلی مبدأ هستی و گستره‌ای بالنده برای کسب و ارتقای سلامت معنوی بشر به شمار می‌رود (فصلت: ۱۱؛ رعد: ۱۵، آل عمران: ۸۳ و ۱۰۹؛ یونس: ۵۶؛ مریم: ۴۰؛ بقره: ۲۸۱ و فصلت: ۱۵۳). در الهیات زیست‌محیطی، نگرش معنادار به طبیعت، تفسیر و بهره‌برداری معنوی از آن، نقش مؤثری در رشد، کمال و تعالی انسان ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که ارتباط با حقایق معنوی زیست‌بوم، علاوه بر پرورش قوای شناختی و معرفتی بشری، فطرت انسانی و ظرفیت‌های وجودی آدمی را شکوفا می‌سازد. همچنین، انس با زیبایی‌های طبیعی آفرینش، بر لطافت و صفای باطن می‌افزاید و پیوند و اتصال درونی انسان با مبدأ هستی را تعمیق می‌بخشد تا آنجا که طبیعت، خاستگاه عروج انبیای الهی محسوب می‌شود که در دامن آن آموزه‌های توحیدی و عرفانی آموختند.

علاوه بر آن، در نصوص دینی، توجه به ظواهر عالم طبیعت و غفلت از حقایق باطنی و معنوی آن مذمت شده است و بهره‌برداری هدفمند از آن در مسیر حرکت استکمالی انسان، زمینه ارتقای حیات متألّهانه و طیب و کسب ره‌توشه آخرت را فراهم می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ هـ ص ۱۹-۲۲). براین اساس، محیط زیست، قلمرو آزمون خداوند، عرصه تکلیف بشر و بستر شکوفایی استعدادها و کمالات انسانی محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که بهره‌مندی از نعمت‌های عالم طبیعت و رفاه، امنیت و آسایش، آزمون شکرگزاری و مسئولیت‌پذیری انسان تلقی می‌شود و نعمت‌های آن و ابتلا به مصائبی مانند نقص در اموال، اولاد و انفس، علاوه بر امتحان صبربندگان، تنبّه غافلین و دنیاگرایان به شمار می‌رود. (همان، ۱۳۸۸ الف، ص ۲۱۱-۲۲۹).

بنابراین، با توجه به نقش و کارکرد طبیعت در تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان، آبادانی و تکامل محیط زیست، از لوازم کمال، تعالی و سلامت معنوی بشر به شمار می‌رود. از این ره‌گذر، معارف و حیانی در راستای حفظ سلامت و تعادل محیط زیست، مسئولیت‌ها و وظایف انسانی را تعریف و ارائه نموده و احترام به حیات و حقوق موجودات، احیای منابع طبیعی و عمارت زمین^۱ را از جمله اعمال عبادی بشر بر شمرده‌اند که علاوه بر نزول خیرات و برکات الهی، ثواب و منزلت اخروی را در پی دارد. (همان، ص ۱۷۳-۱۷۹).

۱. در نصوص دینی، از جمله به درختکاری و زراعت توصیه شده است که برکات و ثمرات دنیوی و اخروی را در پی دارد.

۶. رابطه عملکرد انسان با مسائل زیست محیطی

عطف به جایگاه عالم طبیعت در نظام هستی، و هوشمندی و غایت‌مندی آن که به تفصیل گذشت، رابطه مستقیمی میان همه موجودات عالم هستی و افعال و تعاملاتشان وجود دارد؛ به گونه‌ای که افزایش یا کاهش بی‌رویه برخی از موجودات زیست‌بوم، علاوه بر اختلال در چرخه حیات اکوسیستم‌ها، منشأ چالش‌های خاص زیست محیطی می‌گردد. در این میان، باتوجه به هوشمندی و گستره تصرف و بهره‌برداری انسان از طبیعت، تأثیرات مستقیم یا غیرمستقیم عملکردهای وی، نقش اساسی و بنیادین در ایجاد بحران‌ها و آبادانی‌های زیست محیطی ایفا می‌کند (همان، ۱۳۹۶، ص ۷۳۷-۷۳۸). بنابراین، تأثیرات متقابل روابط انسان و محیط زیست، با نگرش و رفتار آدمی در جهان و طبیعت مرتبط است که در قلمرو سنن الهی در عالم هستی اثبات و تبیین می‌گردد (همان، ۱۳۸۸، ب، ص ۳۸-۳۹).

علامه جوادی آملی باتوجه به پیوند انسان و طبیعت و اثربخشی متقابل آنها در نظام احسن هستی، به تأثیر اعمال آدمی به عنوان خلیفه‌الله در تحولات زیست‌بوم و پویایی و باروری آن توجه نموده است. از این رو، تعامل انسان و طبیعت را در کمال جسمی و تعالی روحی او یا کاستی و سقوط وی تأثیرگذار می‌داند که رشد و ارتقا یا انحطاط و تباهی محیط زیست وابسته به آن است (همان، ۱۳۸۸ الف، ص ۱۷۹-۱۸۶). در نصوص دینی، نسبت میان مجموعه ملکات و کمالات انسانی و رویدادهای عالم طبیعت بررسی شده است و در رابطه با میزان بهره‌مندی آدمی از نعمت‌ها و برکات آفرینش و تأثیر گناه، طغیان و فساد وی در نزول عطایا و بلایا، مباحث و دقایق زیادی وجود دارد. به علاوه، تأثیر عقاید، اخلاق و عملکرد ایمانی بشر در تغییر سرنوشت اقوام و تبدیل و دگرگونی نعمت‌های الهی تحلیل گردیده است که در الهیات زیست محیطی علامه نیز بررسی شده‌اند (همان، ۱۳۸۸، ب، ص ۱۰۲-۱۰۳). به عبارتی، سنن و نوامیس پایدار الهی در مقام تکوین و تشریع، گواه هماهنگی و انطباق فطرت، طبیعت و شریعت است (نصر، ۱۳۸۵، ص ۴۰-۴۱ و ۹۸-۹۹). از طرفی، در نگاه جامع‌نگر ایشان در تفسیر مجموعه آیات و روایات؛ کارکرد، آثار و روابط ویژه وقایع خلقت، با تصرفات و عملکرد انسان و ساختار نظام آفرینش مرتبط است که در گستره حکمت و غایت‌مندی افعال الهی و قوانین و سنن ثابت هستی محقق می‌گردد. باین حال، تأثیر

مستقیم عملکرد انسان در اصلاح زیست‌بوم و نقش آن در بحران‌های زیست‌محیطی، حائز اهمیت است. براین اساس، در پرتو آموزه‌های وحیانی، با تدوین عقاید، احکام و تکالیف اخلاقی و شرعی، ارتباطات و تعاملات انسان با محیط زیست سامان می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۸-۱۶۹)؛ به گونه‌ای که شناخت و تحصیل اصول زیست‌محیطی، پرهیز از تخریب محیط زیست و سعی در اداره، حفاظت و آبادسازی آن، از بارزترین حقوق و تکالیف بشری به شمار می‌رود تا صحت، نشاط و تعالی جامعه و افراد آن تضمین گردد (همان، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۴).

نتیجه‌گیری

الهیات زیست‌محیطی، حاصل مطالعات و یافته‌های جدید اندیشمندان و الهی‌دانان معاصر و از شاخه‌های مهم الهیات به شمار می‌رود که درصدد است با استفاده از سنن و منابع دینی و الگوهای الهیاتی، با تبیین نسبت میان خداوند و جهان هستی و تحلیل نقش و جایگاه انسان در رابطه با طبیعت، به ریشه‌یابی و چاره‌جویی بحران‌های محیط زیست بپردازد. در این میان، الهیات زیست‌محیطی علامه جوادی آملی، مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناسی فلسفی-کلامی دین اسلام، قابل اثبات است. ایشان با توصیف نظام احسن، حکمت و غایت‌مندی آن، جایگاه ویژه طبیعت و خلیفه الله را در آفرینش تفسیر نموده است و تکالیف و مسئولیت‌های وی را در حفاظت، اداره و آبادانی زیست‌بوم بررسی می‌نماید که ظهور کارکردهای آن در کسب و ارتقای امنیت و سلامت مادی، معنوی، اقتصادی، اجتماعی و... جامعه بشری، حائز اهمیت است. براین اساس، علامه ضمن بهره‌گیری از نصوص دینی و معارف قرآنی، تأمین نیازهای اولیه زندگی، رشد، کمال، سیر استکمالی انسان و حیات و بقای موجودات را وابسته به طبیعت می‌داند؛ به گونه‌ای که عناصر ساختاری زمین و تغییرات اقلیمی و جوی، بر بالندگی زیست‌بوم، ویژگی‌های جسمی و روحی و نشاط آدمی مؤثر است. به علاوه، نیازهای بنیادین آدمی از قبیل مسکن، تغذیه و پوشاک که در سامان‌یابی تن و جان انسان و تعادل و تکامل ابعاد وجودی وی مؤثر است، با محیط زیست و منابع طبیعی ارتباط دارد. از این رو، بخش عمده‌ای از آموزه‌های دینی، به ویژگی‌های کیفی و کمی، بهداشت، آداب و

شرایط بهره‌مندی از آنها اختصاص یافته است. همچنین، گستره زمین، عرصه کار، تلاش و فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی بشر محسوب می‌شود که در پرتو آن، علاوه بر تأمین سلامت و آبادانی زیست‌بوم؛ صحت، آرامش، امنیت آدمی و ارزش‌ها و کمالات فردی و اجتماعی محقق می‌گردد. طبیعت در نگرش الهیاتی علامه، از کارکردهای عقلانی، اخلاقی و معنوی برخوردار است که از ارکان سلامت جسمی و روحی آدمی و لازمه حیات متألّهانه وی به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که سیر آفاقی در عالم، تدبیر در آیات جمال و جلال الهی در طبیعت و عبرت‌گیری از وقایع دنیا، در رشد معرفتی و اعتقادی و پرورش سجایای اخلاقی وی مؤثر است. همچنین، اصلاح بینش و رفتار انسانی در ارتباط با مبدأ هستی و مخلوقات، در بستر حیات دنیوی، ابتلائات و نعم الهی واقع می‌گردد که از لوازم تکامل نفسانی و تعالی وجودی آدمی است. حال آنکه تأثیرات متقابل تعامل انسان و طبیعت و رابطه اعتقادات و عملکرد ایمانی بشر با وقایع خلقت، در قلمرو سنن ثابت الهی محقق می‌گردد که در الهیات زیست‌محیطی علامه تبیین شده‌اند.

از آنجاکه بحران‌های محیط زیست، حاصل غلبه جریان‌های فکری و فلسفی، به ویژه اومانیسم و سکولار بر انقلاب‌های علمی - فرهنگی معاصر است؛ چنین رویکردی، بشر مدرن را بی‌توجه به جایگاه طبیعت در آفرینش و مقام و نقش انسان در هستی، با نگاه ابزاری به زیست‌بوم، به سوی تخریب و بهره‌برداری حداکثری از آن سوق داد. الهیات زیست‌محیطی علامه جوادی آملی ضمن جایگزینی جهان‌بینی توحیدی با نگرش مادی‌گرایانه و الحادی غرب، اصلاح معرفتی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی بشر را راهکار حل چالش‌های محیط زیست می‌داند و با ارائه مبانی اسلامی توسعه پایدار، علاوه بر حفظ حیات و حقوق زیست‌بوم و موجودات، در راستای سلامت، رفاه، امنیت و سعادت فردی و اجتماعی بشر گام برمی‌دارد.

فهرست منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، **تحف العقول**، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. ابن عربی، محی الدین (۱۹۹۴م)، **الفتوحات المکیه**، تحقیق و تصحیح: عثمان یحیی، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱ش)، **سروش هدایت**، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء.
۴. ——— (۱۳۸۴ش/الف)، **معرفت شناسی در قرآن**، چاپ سوم، قم: مرکز نشر اسراء.
۵. ——— (۱۳۸۴ش/ب)، **حیات حقیقی انسان در قرآن**، چاپ دوم، قم: مرکز نشر اسراء.
۶. ——— (۱۳۸۶ش/الف)، **رحیق مختوم**، جلد ۱-۲، چاپ سوم، قم: مرکز نشر اسراء.
۷. ——— (۱۳۸۶ش/ب)، **شریعت در آینه معرفت**، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء.
۸. ——— (۱۳۸۶ش/ج)، **سرچشمه اندیشه**، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء.
۹. ——— (۱۳۸۷ش/الف)، **نسبت دین و دنیا**، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۰. ——— (۱۳۸۷ش/ب)، **تحریر تمهید القواعد**، جلد ۲، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۱. ——— (۱۳۸۸ش/الف)، **اسلام و محیط زیست**، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۲. ——— (۱۳۸۸ش/ب)، **حق و تکلیف در اسلام**، چاپ سوم، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۳. ——— (۱۳۸۸ش/ج)، **شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی**، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۴. ——— (۱۳۸۸ش/د)، **تسنیم**، جلد ۸، چاپ سوم، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۵. ——— (۱۳۸۸ش/ه)، **تسنیم**، جلد ۱۶، چاپ دوم، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۶. ——— (۱۳۸۹ش/الف)، **انتظار بشر از دین**، چاپ ششم، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۷. ——— (۱۳۸۹ش/ب)، **منزلت عقل در هندسه معرفت دینی**، چاپ چهارم، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۸. ——— (۱۳۸۹ش/ج)، **تفسیر انسان به انسان**، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۹. ——— (۱۳۸۹ش/ح)، **تسنیم**، جلد ۱۳، چاپ سوم، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۰. ——— (۱۳۸۹ش/د)، **منزلت عقل در هندسه معرفت دینی**، چاپ چهارم، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۱. ——— (۱۳۸۹ش/ز)، **تسنیم**، جلد ۱۰، چاپ سوم، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۲. ——— (۱۳۸۹ش/ط)، **تسنیم**، جلد ۲۱، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۳. ——— (۱۳۸۹ش/و)، **تسنیم**، جلد ۳، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء.

۲۴. _____ (۱۳۸۹ش/ه)، **دنیاشناسی و دنیاگرایی در نهج البلاغه**، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۵. _____ (۱۳۹۰ش/الف)، **تبیین براهین اثبات خدا تعالی شأنه**، چاپ ششم، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۶. _____ (۱۳۹۰ش/ب)، **ادب قضا در اسلام**، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۷. _____ (۱۳۹۰ش/ج)، **ادب فنای مقربان**، جلد ۷، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۸. _____ (۱۳۹۱ش)، **مفاتیح الحیاه**، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۹. _____ (۱۳۹۶ش)، **آرشیو دروس خارج تفسیر** ۹۱-۹۲، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
۳۰. خمینی، روح الله (۱۳۷۸ش)، **صحیفه امام**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳۱. صالح، محمد حسن و حسنی، علی (۱۳۹۶ش)، «نقد و بررسی مدل های الهیات محیط زیست در مسیحیت نوین»، **مجله ادیان و عرفان**، سال پنجاهم، ش ۱، بهار و تابستان، ص ۱۰۳-۱۲۷.
۳۲. صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱م)، **الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیه**، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۴. غیاث، مجید و شرقی، مریم (۱۳۹۷ش)، «نقش پارامترهای اقلیمی بر سلامت و بیماری های روحی و روانی افراد»، **مجله طب سنتی اسلام و ایران**، سال نهم، ش ۱، بهار، ص ۱۳-۲۳.
۳۵. کشفی، محمد حسین؛ جواهرپور، حسام و کشفی، محمد علی (۱۳۹۳ش)، «بررسی مبانی فلسفی سکناگزینی از دیدگاه پدیدارشناسی، با تکیه بر ارزش های اسلامی ایرانی»، فصلنامه **اندیشه دینی دانشگاه شیراز**، دوره ۱۴، ش ۲، پیاپی ۵۱، تابستان، ص ۵۵-۸۰.
۳۶. نصر، حسین (۱۳۸۵ش)، **دین و نظم طبیعت**، ترجمه: ان شاء الله رحمتی، تهران: نشر نی.
۳۷. _____ (۱۳۸۶ش)، **دین و نظام طبیعت**، ترجمه: محمد حسن فغفوری، چاپ دوم، تهران: حکمت.

1. Abbagnano, Nicola (1972), "Humanism", in The Encyclopedia of Philosophy, Paul Edwards, New York, Macmillan and Free Press.
2. Bacon, Francis (2000), New Organon, London, Cambridge University Press.
3. Bacon, Francis, (2006) Advancement of Learning. London. DODO Press,.
4. Heidegger, Martin (1977), The Question Concerning Technology, pp 3-35.
5. Hume, Robert Ernest (1959), The world's living Religions: with special Reference to their sacred, Oxford University Press.

6. Lal. Rattan (2015), Academic Editor: Marc A. Rosen. Restoring Soil Quality to Mitigate Soil Degradation, The Ohio State University, Columbus, OH 43210, USA. Sustainability journal, pp 5875_5895.
7. Mann, Jim and Truswell, A. Stewart (2002), Essentials of Human Nutrition, Second Edition, Oxford University Press.
8. Schlosser, C. Adam and Strzepek, Kenneth and Gao, Xiang and Fant, Charles and Blanc, Eodie and Paltsev, Sergey and Jacoby, Henry and Reilly, John and Gueneau, Arthur (2014), The Future of Global Water Stress: An Integrated Assessment. AUG Earth's Future, pp 341_361.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی